

# ترجمہ شرح مبارک شاہ بخاری

دُوْلَتِ مُوسَى  
در عالمِ صوْسِقی



تصحیح و ترجمہ  
سید عبداللہ انوار

بِتْهُوون  
مرکز موسیقی بتھوون شیراز

ہندوستانی پٹھانگ

سرشناسه :	میرک بخاری، محمد بن مبارکشاه، قرن ۸ق.
عنوان قراردادی :	الادوار، فارسی، شرح.
عنوان و نام پدیدآور:	ترجمه شرح مبارکشاه بخاری بر ادوار ارمومی در علم موسیقی/ تصحیح و ترجمه سید عبدالله انوار.
مشخصات نشر :	تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری :	۱۴۰۷-۹۶۴-۲۲۲-۱۶۹-۸: شابک وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع :	صفی الدین ارمومی، عبدالمؤمن بن یوسف، ۹۱۳-۹۶۱ عق. الادوار - نقد و تفسیر.
موضوع :	موسیقی ایرانی - متون قدیمی تا قرن ۱۴؛ موسیقی عربی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده :	انوار، عبدالله، ۱۳۰۳-، مترجم.
شناسه افزوده :	صفی الدین ارمومی، عبدالمؤمن بن یوسف، ۹۱۳-۹۶۱ عق. الادوار، شرح.
شناسه افزوده :	فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»،
رده بندی کنگره :	ML344.2/۱۴۰۴۲۲۸۱۳۹۱: رده بندی دیوبی: ۷۸۹/۰۹: ۲۹۱۱۹۷۸ شماره کتابشناسی ملی:



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

## ترجمه شرح مبارکشاه بخاری بر ادوار ارمومی در علم موسیقی

مبارکشاه بخاری

تصحیح و ترجمه سید عبدالله انوار

صفحه‌آرا: میثم رادمهر

طراح جلد: پرویز بیانی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲

شماره گان: ۱۰۰۰ نسخه

## چاپ دیجیتال فرهنگستان هنر

ISBN: 978-964-232-169-8

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۲-۱۶۹-۸

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان اندم - بین بست بوزرگمهر - شماره ۲۴ - مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۰۲۱۴۵ - ۱۳۷۷ - ۶۶۴۹۶۶۹۲ - ۶۶۹۵۱۶۶۲ - دورنگار: ۰۲۱۴۵ - ۶۶۴۹۶۶۹۲ - ۴

پست الکترونیک: Info@matnpublishers.ir

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی‌عصر - نرسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر. تلفن: ۰۶۶۴۹۰۹۹۰

فروشگاه اینترنتی: www.matnpublishers.ir

## فهرست مطالب به فارسی

۷	مقدمه
۱۷	دیباچه
۲۱	فصل اول: در تعریف نغمات و بیان حدت و ثقل آن (تیزی و گرانی آن)
۴۵	فصل دوم: در اقسام دستانها
۶۵	فصل سوم: در نسبتهای ابعاد
۸۵	فصل چهارم: در سببهای موجب تنافر
۱۲۱	فصل پنجم: در تأثیف ملایم
۱۳۵	فصل ششم: در ادوار و نسبتهای ادواری
۱۷۳	فصل هفتم: در احکام متعلق به آلات دو زمینه
۱۸۱	فصل هشتم: در بیان عود و کوک آن و استخراج دورها از آن
۱۸۵	فصل نهم: در نامهای ادوار مشهور
۱۹۹	فصل دهم: نغماتی که در دوازده رشید کنند
۲۰۳	فصل یازدهم: در طبقات ادوار
۲۲۳	فصل دوازدهم: در کوک غیر مجهود
۲۴۷	فصل سیزدهم: ایقاع
۲۹۹	فصل چهاردهم: در تأثیر نغمه‌ها
۳۰۷	فصل پانزدهم: در مبارزت عملی

## فهرست مطالب به عربی

الدياجة .....	٣١٩
الفصل الاول: في تعريف النغم و بيان الحدة و النقل .....	٣٢٧
الفصل الثاني: في اقسام الدساتين .....	٣٣٥
الفصل الثالث: في نسب الابعاد .....	٣٤٥
الفصل الرابع: في الاسباب الموجبة للتنافر .....	٣٥٩
الفصل الخامس: في التأليف الملائم .....	٣٨٣
الفصل السادس: في الادوار و نسبةها .....	٣٩٣
الفصل السابع: في حكم الوترین .....	٤٢٣
الفصل الثامن: في ذكر العود و تسوية اوتاره والاستخراج الادوار منه .....	٤٢٩
الفصل التاسع: في اسماء الادوار مشهوره .....	٤٣٣
الفصل العاشر: في تشارک نغم الادوار .....	٤٤٣
الفصل الحادی عشر: في طبقات الادوار .....	٤٤٧
الفصل الثاني عشر: في الاصططخاب الغیر المعهود .....	٤٦٧
الفصل الثالث عشر: في الایقاع .....	٤٨٥
الفصل الرابع عشر: في تأثير النغم .....	٥١٧
الفصل الخامس عشر: في مباشرة العمل .....	٥٢٣
تعليقات .....	٥٢٩

## مقدمه

آنچه در صفحات بعد از نظر خواهد گذشت ترجمه فارسی شرح عربی مبارکشاه بخاری بر ادوار ارمومی است. تفصیل این عنوان ایجاد می‌کند به چند عنصر مندرج در آن به اختصار اشارتی شود تا پژوهنده بتواند در قدم اول علم اجمالی به مباحث کتاب پیدا کند و چنانچه شرح تفصیلی آن را بخواهد خود کتاب را به دست گیرد و به مطالعه آن پردازد. این عناصر «ارموی» و ادوار و «مبارکشاه بخاری» می‌باشند که علل مکونه این شرح اند؛ چنانکه به ابتداء «ارموی» می‌آید و بعد به ادوار اشارتی می‌شود و به آخر «مبارکشاه» معرفی می‌گردد. ترتیب علل به صورت واقعی عرضه شده است چه ارمومی علت محدثه و فاعلی ادوار است و ادوار علت مادی این شرح است و مبارکشاه علت فاعلی شرح عربی است.

اما ارمومی: توادر منابع نام او را «عبدالمؤمن» و لقب وی را «صفی الدین» عرضه می‌کند که از پدری «یوسف» نام و جد پدری «فاخر» پا به عرصه هستی گذارده است و این که بعضی منابع کنیه «ابوالفاخر» برای او ذکر کرده‌اند شاید به واسطه نام جد پدری او باشد (ر.ک: ابن الفوطي البغدادي، الحوادث الجامعه و التجارب النافعه في المائة السابعة، ص ۴۸۰ و تاريخ فخری ابن طقطقی، ص ۷۰). ارمومی یکی از فرزندان هترمند برآمده از این آب و خاک علم و هنرپرور ایران است که از ارومیه آذربایجان غربی برخاست و در قرن هفتم هجری قمری در یک شاخه بل دو شاخه هنر یعنی خطاطی و موسیقی در بین مسلمانان به بالاها رسید و امروز عربان او و سایر ایرانیان پایه گذار فرهنگ اسلامی را که به حقیقت فرهنگ ایرانی است منتبه به عرب می‌کند و معلوم نیست چگونه فرد ارومیه‌ای عرب می‌شود و بغدادی لقب می‌گیرد. شاید طبق آن بی‌منظقه باشد که «خلیج فارس» را «خلیج» می‌گرداند و در شبپورهای تبلیغاتی آنها سر داده می‌شود در حالی که این غارتگران فرهنگ دیگران نمی‌دانند تا «مطلق» مقید نشود نمی‌تواند اسم مشارالیه قرار گیرد. باری در این که

۸ / ترجمه شرح مبارکشاه بخاری بر ادوار ارمومی

ارموی از ارومیه ایران برخاست و ایرانی اصیل است جای شبیه نیست «وَلَئِكَرَهُ الْكَارهُون»؛ ولی این که زاد روز او به چه وقت بوده است تاکنون سندی به دست نیامده است. ابن القوطي در کتاب العوادث الجامعه سال درگذشت او را ۶۹۳ ق می آورد و باز سن او را به وقت مرگ حدود هشتاد سال ذکر می کند. با این تقریب سال تولد او باید در حدود ۶۱۳ ق باشد. روزی که او به بغداد آمد خلافت عباسی سالهای آخر خود را می گذراند و مسلمانان نیز در تحت خلافت المستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی، روز می گذرانیدند و ارمومی علم و هنرآموزی خود را از مدرسه مستنصریه آغاز کرد و در این مدرسه زبان عرب آموخت و در نظم و انشاء عربی سخت بالید و در خوشنویسی سرآمد افراط شد و شهره شهر گشت و با نگارش مصحّفی خوش و اهداء آن به المستعصم بالله از ملازمان دربار خلافت گردید. او به ظاهر در دوره علم آموزی غافل از موسیقی نگشت و در این راه به جان کوشید تا به برتریها رسید. او مغنه‌ای به نام «الحافظ» را تعلیم داد و این زن سرودخوان مستعصم شد و در مجلس‌های طرب مستعصم سخن‌ها از چیره‌دستی ارمومی در عودنوازی به سمع خلیفه رساند و موجب شد که ارمومی در دربار خلیفه علاوه بر خوشنویسی عودنواز خاص گردد و از خصیصین مستعصم شود. این بود تا آنکه به تقدیر الهی طومار خلافت عباسیان به دست هلاکوی مغولی در نورده شد - لامَد لقضاء الله - و هلاکو در ۶۵۶ ق با سیلا布 خون در بغداد حکومت مغولان را برقرار کرد. طبق روایتی که ذکر آن به درازا می‌کشد نواختن عود «ارموی را مطبوع دربار مغولان کرد و چون عظاملک جوینی به دستور هلاکو فرمانروای بغداد گشت، خوشنویسی و اطلاع به انشاء عرب موجب شد که عظاملک جوینی او را رئیس دارالانشاء بغداد کند» (فوات الوفیات محمد بن شاکر کتبی، ص ۲۱۲) و برادر عظاملک، شمس الدین محمد بن محمد جوینی، صاحب دیوان ایلخانیان، ارمومی را مربی دو فرزند خود بهاء الدین و شرف الدین هارون گرداند. ارمومی در خاندان جوینی‌ها بود تا وفات علاء الدین عظاملک و کشته شدن شمس الدین محمد، به امر ارغون خان سومین جانشین هلاکو. با تیره روزی جوینی‌ها صفوی الدین نیز زندگیش تیرگی گرفت و روزها بر او سخت شد و سختی آنچنان بر او فزونی یافت که این چیره‌دست در خط و نواخت عود گذارش به زندان افتاد و بر اثر ناتوانی در پرداخت دین روزهای پیری را تا رسیدن اجل در زندان به سر برد (فوات الوفیات ابن شاکر، ص ۴۱۲). در منابع به تفصیل از شاگردان بهره‌ور از هنر خط و تعلیم گیرندگان صناعت

موسیقی او سخن رفته است که یکی از مشهورترین خط آموختگان او یاقوت مستعصمی است و باز در منابع از سه فرزند او یاد شده است. از آثار او که خلافی در انتساب آنها به او نیست یکی کتاب الا دور الموسیقی و دیگر الرساله الشرفیه فی علم النسب و الاوزان الایقاعیه است که برای شرف الدین هارون فرزند شمس الدین محمد جوینی، شاگرد خود، به سال ۶۶۶ ق پرداخته است و این رساله تأثیر فراوان از کتاب الموسیقی الكبير فارابی و کتاب موسیقی شفا یافته و تأثیر فراوان بر کتب و رسائل موسیقی بعد از خود چون رساله موسیقی درالاتاج علامه قطب الدین شیرازی و رسائل و کتب موسیقی مراغی گذارده است. غیر از این دو کتاب، کتب دیگری به ارمومی نسبت می‌دهند که در انتساب آنها به ارمومی اجماعی در بین نیست. صاحب کنزالحف دو ساز یکی به نام «نرمه»، با صد و بیست زه و دیگری به نام «معنی» ذکر می‌کند که ارمومی آنها را ساخته است ولی امروز از این دو ساز اثری به دست نیست.

اما کتاب ادور که این ترجمه به تفصیل از شرح آن به وسیله مبارکشاه و خود کتاب سخن می‌گوید برای آنکه در اعماز برخورد با آن به صورت مجھول مطلقی برای پژوهنده جلوه نکند در اینجا به آن بوجه اجمال اشارتی می‌شود. ارمومی این کتاب را سالها قبل از شرفه پرداخت با یک مقدمه و پانزده فصل در مقدمه (چنان که خواهد خواند). می‌گوید من این کتاب را بر حسب امر کسی پرداخته ام که عدم ایتان امر او در قدرت من نبوده است. اما این امر چه کس بوده است متأسفانه در متن به آن اشاره‌ای نشده است. بعضی بران رفته‌اند که صاحب امر باید خواجه تصیر الدین طوسی بوده باشد ولی تطابق ازمنه بر چنین قولی مهر تأیید نمی‌زند چه سال پردازش ادور حدود سی سال قبل از شرفه بوده است و چون شرفه در ۶۶۶ ق تدوین شده باید سال تدوین ادور حدود سال ۶۳۶ ق باشد، ولی در این سال خواجه در مرکز قدرت اسماعیلیان در «قہستان» یا «الموت» بوده و ارمومی در بغداد و هر یک در نقطه‌ای بوده‌اند که حاکمان آن نقطه یگانه آرزوی خود را امحاء نقطه دیگر می‌دانستند و مستبعد می‌نماید خصیص هر یک از این دو نقطه آمر دیگری در پرداختن تألیفی گردد و دیگری نیز در نهایت اطاعت و افتخار امر آن صاحب امر را اطاعت کند.

کتاب ادور و رساله شرفه به حدی در کار موسیقیدانهای بعد از ارمومی اثر گذارده است که چون صاحب‌نظری با نقض قولی از ارمومی کسب اعتباری برای خود می‌کرده است، صاحب‌نظری دیگر به دفاع ارمومی بر می‌خاسته و نقض قول ناقض را می‌نموده و بر صحت

۱۰ / ترجمه شرح مبارکشاه بخاری بر ادوار ارمومی

نظر ارمومی رقم می‌زده است (ر. ک: جامع الالحان مraigی و ردهای مraigی بر نقض‌های قطب‌الدین شیرازی بر ارمومی). شاید توجه عمومی به کارهای ارمومی در موسیقی عملی و نظری بر اثر آن بوده که گفته‌های ارمومی در نهایت ایجاد و اختصار همان آموزش را در صناعت الحان و ایقاع به نوآموز می‌داده که کارهای مفصل فارابی و سایر اساطین ماقبل ارمومی می‌داده‌اند. اجماع آشنایان به موسیقی عملی و نظری برآند «مکتب مستظمه» در موسیقی پایه‌های خود را بر کارهای ارمومی دارد. از مسلمات است که بیان یک ذوالکل (اکتاو) از طریق هیجده نغمه (از «الف» تا «یح») یکی از دقیق‌ترین و سهل‌ترین بیان در محاسبات بعدی الحان است تا محاسبه‌های عددی ناشی از دساتین واقع بر دسته عود. چه قول همگی بر آن است که این بیان جدید ذوالکل از ناحیه ارمومی که در دفاتر و رسائل موسیقایی ثبت شده است بسی برتری بر آن محاسبه عددی و شماری دارد.

حال که ارمومی و کتاب ادوار شناخته شد، به عنصر سوم می‌پردازم که وعده معرفی آن در فوق داده شده بود. این عنصر سوم معرفی مبارکشاه بخاری شارح ادوار است:

منابع و کتب احوال متأسفانه مطلب دستگیری از حسب حال او به دست نمی‌دهند و آنچه به تفارین و از اینجا و آنجا فراگرد می‌آید، نام او را شمس‌الدین محمد بن مبارکشاه بخاری یا میرک بخاری ذکر می‌کند که به قرن هشتم هجری قمری می‌زیسته و در شرحی که بر حکمت‌العین کاتبی قزوینی نوشته است و در آن از حواشی ای که علامه قطب‌الدین شیرازی بر حکمت‌العین نوشته سود جسته و نام علامه را با دعای «رَحْمَةُ اللَّهِ» ذکر می‌کند و این می‌رساند که او بعد از ۷۱۰ ق که سال درگذشت علامه است می‌زیسته و از عبارت نوشته‌ای که کاتب این نسخه بر پایان شرح ادوار آورده برمی‌آید که او سالهای سال بعد از علامه زندگی کرده است چه عبارت کاتب این است: «قد فرغ مؤلفه من اتمامه یوم السبت السابع من صفر ختم الله عاقبته بالخير و الظفر لسنة سبع و سبعين و سبعماه الهجرية النبوية المصطفوية» و این شخصت و شش سال بعد از علامه زیستن - که معلوم نیست بعد از این شخصت و شش سال دیگر زندگی نکرده باشد - این شک را القاء می‌کند که او یا علامه را ندیده است یا اگر دیده به وقت کودکی بوده است که هنوز لایق حضور در محضر درس علامه نبوده است. باری او غیر از موسیقی و کلام از علم پژوهشی نیز اطلاع داشته است، زیرا در مقدمه شرح خود بر ادوار، چنان‌که ملاحظه خواهید کرد، آموختن موسیقی را بر اثر نیاز به پژوهشکی اعلام می‌کند. مبارکشاه طبق آثاری که اکنون از او به دست است فقط

«شارح» کتب دیگران بوده و کتابی مستقل نگاشته از او به دست نیست که مبارکشاه را مؤلف آن کتاب معرفی کند. چه او علاوه بر شرح حکمةالعين و شرح ادوار شروح زیر را دارد: شرح هدایة الحکمه اثیرالدین ابهری و شرح بر اشکال التأصیس سمرقندی و شرح بر البصره فی علم الہیه بهاءالدین و شرح بر منار الانوار فی اصول الفقه حافظالدین نسفی با نام دیگر مدارالفعول (ر.ک. کشفالظنون حاجی خلیفه و بروکلمان «ذیل»، ج ۱، صص ۸۳۹، ۸۴۰ و ۸۶۳ و ج ۲، ص ۲۶۴).

حال که سخن در شرح مبارکشاه بر ادوار ارمومی است لازم می‌نماید که از علت غائی این شرح به اختصار سخن رود چه شاه شجاع مهدی الیه این شرح علت غائی آن است و خود مبارکشاه نیز حدود یک صفحه در مقدمه این شرح به منقبت او (شاه شجاع) قلم رانده است:

جلال الدین ابوالفوارس شاه شجاع در جمادی الثانی ۷۳۳ زاده و به شعبان ۷۸۶ در پنجاه و سه سالگی درگذشت. او از سلاطین آل مظفر و فرزند امیر مبارزالدین محمد، حاکم فارس، است که به سال ۷۵۹ با کمک برادر خود شاه محمود بر پدر شورید و پدر را از حله بینایی عاطل کرد و بر تخت شاهی فارس تکیه زد و شاه محمود نیز بر اصفهان حکم راند ولی بعد از چندی بین دو برادر اختلاف افتاد و هر دو به صف در برابر یکدیگر ایستادند و پس از کژ و فرّهای او به عاقبت پس از مرگ برادر به اصفهان دست یافت و به سال ۷۸۵ در حکمرانی فارس فرزند خود شبی را کور کرد و چون امیر تیمور به قلمرو حکومت او نزدیک شد با ارسال هدایای فراوان به دربار این مشخص خرابی شهرها خطه حکومت خود را از خرابی تیموری مصون ساخت و با عقد یکی از دختران خود به یکی از پسران تیمور، با تیمور نسبت سببی یافت. او شاعر بود و قوام الدین محمد صاحب عیار که حافظ از او سخن گفته وزیر او بوده است. شاه شجاع ممدوح حافظ و عبید زاکانی و عماد فقیه بود چه این پادشاه به رونق علم و هنر علاقه فراوان داشت و در محضر عالمان حضور می‌یافت و با آیان به مباحثت می‌پرداخت. اشعار زیادی از ساخته‌های او به فارسی و عربی به دست است. حافظ به تفاریق به مدح او ایستاده و از آن جمله است این دو بیت:

قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع      که نیست با کسم از بھر مال و جاه نزع  
 جبین و چهره حافظ خدا جدا مکناد      ز خاک بارگه کبریای شاه شجاع

حال که از شناسایی ادوار و «ارموی» و «مبرکشاه بخاری» و حتی «شاه شجاع» به تعریضی فارغ آمدیم، لازم است نبذری از خصوصیات نسخه‌ای را عرضه کنیم که این ترجمه بر آن قرار گرفته است. متأسفانه از شرح مبارکشاه بر ادوار ارمومی تا آن جا که فهرست‌های کتابخانه‌ها اشعار

می‌دارند دو نسخه بیشتر تاکنون شناخته نگردیده است: یکی نسخه‌ای که محمول این ترجمه واقع شده و پس از تصحیح به همراه ترجمة آن در این مافی‌الدفتین آمده چنان‌که ملاحظه خواهید کرد و دیگر نسخه‌ای که در کتابخانه توپقاپوسرای ترکیه قرار دارد و متأسفانه کتابخانه توپقاپوسرای چند سالی است رابطه خود را با علاقه‌مندان به نسخ خود قطع کرده و به بهانه آنکه کتابخانه تحت تعمیر است، در برابر هر خواستی از عکس نسخه‌ای یا جواب نمی‌دهد و یا جوابی به این مضمون می‌دهد که کتابخانه را امکان آن نیست که به این خواست پاسخ مثبت دهد و چون اصل نسخه این کتابخانه به دست نیست نمی‌توان در آن بحثی کرد، چه محتمل است آن واجد همان نقایصی باشد که این نسخه می‌باشد. لذا آنچه برای تصحیح و ترجمه و چاپ باقی می‌ماند این نسخه است و آن نسخه‌ای است از آن موزه بریتانیا تحت شماره ۲۳۶۱ و آنچه به این ضعیف برای تصحیح و ترجمه داده شده است عکس این نسخه می‌باشد با مشخصات زیر به تعبیر فهرست‌نگاران:

خط آن نستعلیق نسبتاً ریز خوش با پاره‌ای از کلمات به صورت شکسته؛ به روی حروف مبین نغمات با اعداد خط کشی شده؛ عبارات متن ادوار با خطی بر فوق آن از شرح جدا گشته؛ هر صفحه دارای بیست و پنج سطر به استثنای چند صفحه با سطور کمتر؛ اشکال از حیث ترسیم نسبتاً بی‌نقص ولی از جهت حروف مبین و نماینده نقره یا نغمه در خیلی از موارد لايقره یا مشتبه به حروف دیگر؛ در پاره‌ای از صفحات سطروی یا سطروی سیاه شده و در پاره دیگر اسقاط کلام و بریدگی مطلب تا حدود چند کلمه یا سطروی؛ جداول حاوی حروف مبین نغمات با حروف مشتبه‌الشكل خود چنان جای به یکدیگر داده‌اند که اگر اطلاع از معنای موسیقایی کلام یا نمایشگری نغمه واقعی در کلام نباشد جز القاء معانی ظنی‌الدلاله بل مشکوک الدلاله چیزی عرضه نمی‌کنند گرچه به ظاهر خوش تحریر یافته‌اند ولی خیلی از عبارات آن لايقره است. در اکثر نسخ خطی جداول دور سطور نقش مرزیندی سطور را به حدی دقیق و خوانا افاضه می‌کنند و این افاضات خود وسیلی نیکو برای خواندن متن نسخه می‌گردند ولی در این نسخه جداول اکثر به کلمات ابتداء و انتهای سطور تعداز کرده و آنها را در خود فراگرفته‌اند که معلوم نمی‌شود محل فراگیری آیا خط جدول فراگیر است یا کلمه آخر سطر. این ناهمواری و ناهنجاری نه تنها به یک یا دو یا بیست صفحه قناعت نمی‌کنند بلکه هیچ صفحه‌ای نیست که فارغ از این مزاحمت‌های جان‌فرسای مصحح نباشد.

ای کاش متن نسخه چاپ عکسی می شد تا خود گواهی از سوز قلم مصحح دهد؛ مبارکشاه جدولی از اعداد مین نغمات اختراع کرده و چنان به آن عشق ورزیده که در مطاوی شرح خود از آن به نام «جدول مبارکه» با ایهام یاد می کند ولی در متن این نسخه آنچه از این جدول آمده جدول با خانه های تهی و فارغ از اعداد و رقم است که البته در ترجمة فارسی با محاسباتی پیچ در پیچ اعداد واقعی و مطلوب مبارکشاه به دست آمد و خانه های خالی پر شد.

در پایان نسخه، کاتب علاوه بر تاریخ کتابت و نام خود از بلوغ مقابله نیز با دو نسخه دیگر یکی در بلده کشمیر و دیگری در بلده شاه جهان آباد سخن به میان می آورد که درج نوشته او و اشاره به مقابله او در شناخت نسخه تا حدی سودمند است لذا به درج عین نوشته او در زیر می پردازیم:

«و قد تم الكتاب بعون الله تعالى في شهر جمادى الثانى يوم الخميس فى سنة ١٠٧٣ فى مقام ابا له لشأ قباد بن عبدالجليل الحارثي المخاطب بدیانتخان بخط فقير سيد ابو محمد بن سيد فتح محمد سمانى. وقد فرغ مؤلفه من اتمامه يوم السبت السابع من صفر ختم الله عاقبته بالخير و الظفر لسنة سبع و سبعين و سبعمائة الهجرية النبوية المصطفوية. تم المقابله باصله يوم الاحد ثامن محرم من سنة الرابعة و السبعين والالف من الهجرة النبوية فى بلده کشمیر دلپذير. ثم تم المقابله بنسخة آخر يوم السبت ثالث والعشرون (=العشرين) من شهر جمادى الثانى سنة الف و ثمانية و سبعون (=سبعين) وكانت هذه النسخة قديمة مكتوبة فى الخامس عشر من ذى القعده لسنة اثنى و عشرين و ثمانمائة (٨٢٢) فى بلده شاه جهان آباد».

کاتب چنان که ملاحظه می شود تاریخ نگاشتن خود شرح را به وسیله مبارکشاه در سنه ٧٧٧ ق ذکر می کند که مقارن نه سال قبل از مرگ شاه شجاع است ولی در متن شرح سخنی از این تاریخ نگارش نیست. مع التأسف با آنکه کاتب دوبار از بلوغ مقابله این نسخه با نسخ دیگر سخن می گوید چنانکه در فوق آمد این نسخه از جهت معایب نسخه ای است که از هیچ نقص و عیب کتابت بر کنار نیست آن هم نه به صورت یک یا دو مورد در هر صفحه بلکه به صورت چند و چندین بار در اکثر صفحات بل همه صفحات به وجهی که اگر نسخ دیگر در میان بود این نسخه صلاحیت مرجع شدن را نداشت و حتی به عنوان مرجع ضعیف به کار نمی آمد. باری چون همایش مکتب شیراز در بین بود برای این مکتب جز این نسخه، نسخه دیگر به دست نبود

۱۴ / ترجمهٔ شرح مبارکشاه بخاری بر ادوار ارمومی

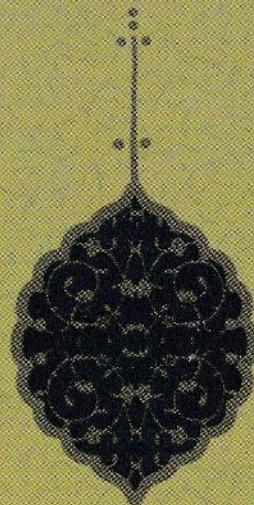
برخلاف رأى صحيح مصححان صاحب تحريره که تا نسخی چند به دست نیاورند دست به تصحیح نمی‌یازند، عمل شد و برخلاف رأى این اولی‌الالباب و الابصار در تصحیح در اینجا رفتار گردید و روش تصحیح قیاسی که یگانه روش در این موارد است به کار رفت و در دفاع از این روش علاوه بر وحدت نسخه چون شرح شرح مهمی در ادوار موسیقی است طبق اصل «کل ما لا يمكن ان يدرك كله لا يترك كله» جایز نبود این متن مهم بی‌بدیل ترک شود خاصه آنکه آن نیز متنی نبود که در آن لفظ من حیث هی لفظ مورد نظر باشد زیرا نثر آن از جهت زیبایی و فخامت و تزوق کلام و لفظ عرضه نشده بود که جانشینی قیاسی کلمه‌ای یا خرفی در متن به جای کلمه یا حرف به کار رفته از ناحیت مؤلف صدمه‌ای به نثر زند بلکه لفظ در اینجا واسطه در اثبات معنی بود بر این تقدیر که هر لفظی اگر همان معنی را القاء کند و معنی را رساند اصا به به واقع را رسانده است خاصه آنکه در اکثر مواضع اغلاظ و لايقئی ناظر به ترکیباتی بودند که مقامی یا شعبه‌ای یا آوازی موسیقایی را می‌رساند و الفاظ فقط ویژگی نمایندگی در معنی را داشتند که خود مؤلف آن را از مأخذ دیگر اخذ و در کتاب خود آورده است. لذا در این موارد اخذ آن حروف و ترکیبات از مواضع صحيح و نشاندن آن در متن به ظن متأخرم به یقین اصا به به واقع را به عمل می‌آورد یعنی همان می‌شود که از قلم مبارکشاه تراویده است و باز از همین نظر موارد غلط متن با شماره‌هایی از متن به پانوشت صفحات احالة نگردید زیرا اگر این احاله صورت می‌یافتد مسطورات پانوشت‌های حاوی اغلاظ از مسطورات نوشتۀ‌های هر صفحه متن فروتنر می‌گشت و آن مصدق احاله از صحيح به غلط می‌شد که خود نوعی اضلال و غیرجایز است زیرا ارجاع و احاله مرتب از متن به پانوشت موجب تشویش خاطر خواننده به وقت خوانش متن و ادراک مطلب متن مختل و پریشان می‌شود. لذا با تجویز بل تأکید صاحبنظران از این ارجاعات بیهوده صرفنظر شد و متن بدون ارجاع‌های عبث عرضه گردید تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. از آنجا که شائبه این می‌رفت که متن عربی ادوار و برگردان فارسی آن خواننده را به قول و نظر ارمومی در کتاب ادوار کما یقتضی الطبع آشنا نسازد لذا تصمیم بر آن رفت باز خود متن عربی ادوار برگردان گونه به زبان پارسی شود و در پایان ترجمه متن مبارکشاه با اشکال و نمودار عرضه گردد به وجهی که اگر متن مبارکشاه و برگردان فارسی آن اطمینان قلب ادراکی ایجاد نکند و پژوهشگر به مقصد و منظور ارمومی دست نیابد این وجیزه در تعلیقه ارائه شده انشاء الله موفق شود که

مقدمه / ۱۵

خواننده را در ادراک مباحثت ادوار کامیاب گرداند. بمنه و کرمه. در خاتمه از جناب آقای دکتر نامور مطلق و از سروران و بزرگان فرهنگستان هنر که در فراهم آوردن وسائل ترجمه و چاپ این اثر عنایت نمودند خاصه آقای اسماعیلی مدیرعامل انتشارات فرهنگستان نهایت سپاسگزاری را می نمایم و نیز از سه دوست گرانقدری که در چاپ این کتاب کمک های گرانبهایی به این ضعیف از پای افتاده و گرفتار رنجوری پیری و رمد و نیمکوری چشم نموده اند: سرکار خانم اعظم حاجی علی اکبر و آقایان کاوه خورابه و محمد تقی حسینی جز دعای سحرگاهی و التماس خیرالله پاداش دیگری برای ارائه به آنها ندارم. امید آنکه مستجاب افتد و نمی دانم با چه زبانی از زحمات آقای میثم رادمهر در حروفچینی و صفحه آرایی این اوراق تشکر کنم خداوند به او جزای خیر دهد. و ما توفیقی الا بالله وهو حسبي و تعم الوکيل. ربنا لاتؤاخذنا ان نسینا او أخطانا.

تحریر شد در قریه رحمان آباد کاشانک شمیران - زمستان ۱۳۸۷ هجری شمسی

سید عبدالله انوار



An Account of  
Mubārak-Shāh Bukhārī  
on  
**URMAWĪ  
ADWĀR**  
(A Treatise on Music)



Translated & Annotated by  
Sayyid Abdallāh Anwār



پتھون  
پتھون  
مرکز موسیقی پنهوون شیراز

